

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

لبخندِ ملیح

چرا؟ ظالم، من بیچاره را، چشمِ نظر کردی
به آه و ناله ها همدم، روا **دردِ کمر** کردی
گاهی از درد می سوزم، گاهی در آتش و آیم
گاهی بر عشق می نازم، که اندر دل اثر کردی
ز لبخندِ ملیحت، فرقِ روز و شب نمی دانم
چرا؟ دامنِ طبعم را، پر از لعل و گهر کردی
بیادِ وصل می خوابم، که باشم خدمتِ چندی
ولی **کابوسِ خوابم** را، ز بیداری بتر کردی
گاهی تشویق، بر اشعارِ نابِ بزمی ام داری
گاهی **دشنامِ بد** داده، **غرورم** در خطر کردی
به **تبخالِ لب** نازم، هم از **بالا**، هم از **پایان**
نصیحت های مستانه، چنینم مختصر کردی
«**کمرِ دردی نصیبت شد، ز تند و تیزِ عشقی ها**»
دعای عاشقت نگرفته خود را در بدر کردی
بیا و توبه کن دیگر، مگو شعری به غیر از من
مبادا خامه را جولان، به میدانِ دگر کردی»
چنینم گفته می خندی، که در پایت دهم جان را

اطاعت میکنم حتی ، کبابم گر جگر کردی
امیدی دارم از طبیعت ، عنایت پاسخی فرما
به نظمی ، یا به نثری یا ، به دشنام و حجر کردی
هر آنچه دوست میداری ، بده دستور ، من راضی
سرم را گر جدا از تن ، به همراه تبر کردی
قسم بر موی شیرنگت ، به تار زلف پر چنگت
به آهنگ لب تنگت ، مرابی پا و سر کردی
به شهر دل سفر کردم ، حکایت از تو سر کردم
نه پروا ، خیر و شر کردم ، اسیرم بی خبر کردی
کنونم عاشق زارت ، به نقد جان خریدارت
که با بوسی ز رخسارت ، علاج ساده تر کردی
مرا مهمان خود یکشب ، نما بر خوان خود یکشب
ز نخل جان خود یکشب ، به دستانم ثمر کردی
ز بهر عزت مهمان ، دمی آن پیکر لرزان
به آغوشم نما عریان ، که تا شام سحر کردی
و « نعمت » با لبان خود ، گهی هم با زبان خود
چو قندی در دهان خود ، مکد تا بر حذر کردی